

کا بینه پیشنهادی ریسی حاکمیتی است

گفتوگویی «اعتماد» با جلال میرزایی درباره بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت سیزدهم

کا بینه پیشنهادی ریسی حاکمیتی است؛ نه جناحی، نه فرا جناحی

بالاخره ساعتی پس از اتمام آخرین نشست علنی مجلس در هفته‌ای که گذشت، فهرست وزرای پیشنهادی دولت سیزدهم در قالب نامه‌ای از سوی ابراهیم ریسی تقدیم رییس مجلس شد و در ادامه سخنگوی هیات ریسه مجلس شورای اسلامی با اشاره به اعلام وصول این فهرست در جریان نشست علنی نخستین روز هفته جاری، از برگزاری جلسات رای اعتماد پس از تعطیلات دهه نخست محرم خبر داد. همزمان با رونمایی از گزینه‌های مدنظر رییس‌جمهوری جدید برای تشکیل دولت سیزدهم، تحلیل و اظهارنظرهای کارشناسی و سیاسی درباره هر کدام از 19 مردی که از جانب ابراهیم ریسی برای تصدی 19 وزارتخانه دولت سیزدهم معرفی شده‌اند، کلید خورد و این در حالی بود که ریسی همزمان با اعلام اسامی این 19 وزیر پیشنهادی، یکی دیگر از معاونانش را به عنوان رییس سازمان برنامه و بودجه معرفی کرد تا گامی دیگر در مسیر تکمیل ترکیب تیم اقتصادی دولت سیزدهم برداشته باشد. هر چند به باور بسیاری از کارشناسان آنچه مشخصاً در ارتباط با ترکیب تیم اقتصادی مدنظر ابراهیم ریسی محل تامل و انتقاد قرار دارد، نوعی عدم هماهنگی و نبود مغز متفکر در این تیم است و این مسائل پرسشهایی را نزد افکار عمومی ایجاد کرده است. پرسشهایی که برای یافتن پاسخشان سراغ جلال میرزایی، نماینده اصلاح‌طلب دوره دهم مجلس رفتیم. سیاستمداری که به واسطه ریاست بر کمیته سیاسی فراکسیون امید با مسائل مختلف سیاست و فرهنگ و جامعه آشناست و در عین حال به واسطه حضور در کمیسیون انرژی مجلس دهم با موضوعات اقتصادی نیز

بیگانه نیست.

انتهای هفته‌ای که گذشت، بالاخره فهرست وزرای پیشنهادی منتشر و مشخص شد که ابراهیم ریسی چه کسانی را برای تصدی 19 وزارتخانه دولت سیزدهم مدنظر دارد؛ با توجه به آنچه طی روزهای پیش از انتشار فهرست درخصوص فرا جناحی بودن کابینه مطرح بود، ارزیابی‌تان از کلیت فهرستی که منتشر شده، چیست؟

شخصاً برخلاف دوستانی که پیش از انتشار فهرست وزرای پیشنهادی در این رابطه اظهار نظر کرده و معتقد بودند که ابراهیم ریسی در معرفی وزرای پیشنهادی فرا جناحی عمل می‌کند، چنین نگاه و انتظاری نداشتم که به معنای مدنظر آن گروه از دوستان شاهد تشکیل دولتی فرا جناحی باشیم. اما از سوی دیگر تصور نمی‌کردم ابراهیم ریسی به سمت افراد دارای پیشینه و گرایش جناحی و حزبی پررنگ برود. در مجموع باید بگویم فارغ از اینکه دقیقاً چه افرادی برای هر یک از وزارتخانه‌ها معرفی شده‌اند، چندان از کلیت فهرستی که منتشر شد و سمت و سوی حاکم بر این ترکیب، غافلگیر نشدم، چرا که مطابق آنچه انتظار می‌رفت، شاهد معرفی افراد حاکمیتی هستیم. ریسی برای تهیه و تدوین فهرست وزرای پیشنهادی ظاهراً با هیچ یک از احزاب اصولگرا نیز تشکیل جلسه نداده و در واقع افراد از حیث جایگاه و تعلق حزبی‌شان محل مشورت قرار نگرفته‌اند. به این ترتیب گزینه‌های پیشنهادی برای تشکیل دولت سیزدهم، اغلب افرادی هستند که به آن معنا سابقه جناحی و حزبی نداشته و نمی‌توان آنان را در رده اصولگرایان حزبی دسته‌بندی کرد و در عین حال افراد فرا جناحی هم نیستند و ریسی در مسیر انتخاب وزرای پیشنهادی، به سوی افراد و گزینه‌های حاکمیتی رفته و معتقدم این ویژگی حاکمیتی بودن شاید مهم‌ترین ویژگی فهرستی است که هم‌اکنون پیشرو داریم.

اگر فهرست منتشر شده را به 3 بخش تیم اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی کنیم، در گام نخست ارزیابی‌تان به افرادی که برای تصدی چند وزارتخانه اقتصادی معرفی شدند، چگونه است؟ ضمن آنکه به هر حال تیم اقتصادی دولت علاوه بر چند وزیر، چند نفر از معاونان رییس‌جمهوری و روسای سازمان‌ها را نیز شامل می‌شود.

در نگاه نخست و ارزیابی کلی درباره تیم اقتصادی مورد نظر آقای ریسی شاید مهم‌ترین مساله هماهنگی اعضا و اجزای این تیم با یکدیگر باشد که متأسفانه چنین انسجامی دست‌کم در نگاه نخست، با بررسی گرایش و دیدگاه افرادی که معرفی شده‌اند، چندان چشمگیر نیست. به بیان دیگر ما در این تیم اقتصادی شاهد حضور یک مغز متفکر نیستیم و نبود کسی که دیگر اعضای تیم اقتصادی را هدایت

کند، می‌تواند مشکل‌ساز باشد. فارغ از این اما در تبیین ارزیابی‌ها از وضعیت کلی تیم اقتصادی دولت، ترجیح می‌دهم بر 4 کرسی در دولت و تیم اقتصادی متمرکز شوم که این 4 کرسی عبارتند از وزرای اقتصاد، کار، صمت و رئیس سازمان برنامه و بودجه و متأسفانه وقتی به پیشینه و کارنامه و گرایش و دیدگاه این افراد در گذشته نگاه می‌کنیم، مهم‌تر از اینکه اغلب چندان کارنامه پرو پیمانی ندارند، دیدگاه و راهبرد مشخص یا دست‌کم هماهنگی نیز در این جمع به چشم نمی‌آید. ما نمی‌توانیم از صفر شروع کنیم و لازم است از تجربه‌هایی که این سال‌ها به دست آمده، استفاده کنیم. به عنوان مثال فکر می‌کنم ما باید از تجارب افرادی که سال‌ها در اتاق بازرگانی فعالیت کرده، بهره ببریم، چرا که این افراد سال‌ها از نزدیک در جریان جزییات امور به صورت عملیاتی بوده و شناخت و تجربه‌ای گرانبها اندوخته‌اند که مختص وضعیت اقتصادی ایران در شرایط کنونی است. همین‌طور در بحث وزارت اقتصاد باید سراغ فردی برویم که سابقه کار در حوزه نظام مالیاتی کشور داشته و با فعالیت موسسات مالی و اعتباری آشنا باشد، چرا که یکی از مهم‌ترین اولویت‌های این وزارتخانه کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه درآمدهای ناشی از دیگر حوزه‌های درآمدزا به‌خصوص درآمدهای مالیاتی است. در بحث وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز فارغ از حوزه اجتماعی این وزارتخانه عریض و طویل، ما با بحث اقتصادی نیز سر و کار داریم و شخصاً معتقدم اهمیت وزارت کار از حیث جایگاه و اثرگذاری در حوزه اقتصاد اگر بیشتر از وزارت صمت نباشد، به هیچ عنوان کمتر نیست. واقعیت این است که بحث وزارت کار صرفاً بحث مسائل کارگری نیست. وزارت کار عملاً صندوق بزرگ مالی و اعتباری و هلدینگ اقتصادی اصلی کشور را تحت پوشش خود دارد و نوع کار در این وزارتخانه با آنچه مثلاً در کمیته امداد رقم می‌خورد، تفاوتی اساسی دارد. ما در وزارت کار نیاز به تولید و خلق ثروت داریم و قرار نیست صرفاً بودجه‌ای به این وزارتخانه تعلق بگیرد و وزیر مسوول توزیع منابع میان کارگران و بخش‌های مختلف باشد. در بحث انتصاب مسعود میرکاظمی به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز این عدم تناسب میان تجربه و مسوولیت دیده می‌شود. میرکاظمی مدیری سالم و اتفاقاً به لحاظ مدیریتی، برنامه‌ریز و دقیق است اما نه به آن معنا که ما در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی داریم. ایشان مدتی در وزارت نفت فعالیت کرده و تحصیلاتش نیز مهندسی است؛ حال آنکه ریاست سازمان برنامه و بودجه به دانش اقتصادی و مدیریتی کلان نیاز دارد.

نگاه‌تان به تیم فرهنگی و اجتماعی کابینه از چه قرار است؟

البته در بحث ارزیابی تیم فرهنگی و اجتماعی با گستره‌ای وسیع از

مسائل و موضوعات سر و کار داریم که يك سر آن به مسائل حوزه هنر و نهایتاً فرهنگ مربوط است و سر دیگر به مسائل آموزشی و پرورشی و حتی مسائل حوزه ورزش. به هر حال در بحث وزارت فرهنگ معتقدم که نیاز است سراغ يك چهره دارای سابقه و پیشینه کار فرهنگی برویم. فردی که فارغ از اینکه معمم است یا مکلا، در جامعه فرهنگی کشور شناخته شده و حتی صاحب نفوذ باشد. در بحث وزارت آموزش و پرورش نیز به نظرم به چهره‌ای کارکشته و دارای تجربه مدیریتی بالا نیاز داریم. مساله دانشگاه و وزارت علوم نیز تا حدودی از همین الگوها پیروی می‌کند اما در مجموع به نظر می‌رسد انتخاب بدی انجام نشده است. گزینه پیشنهادی سال‌ها در وزارت علوم فعالیت کرده و چهره‌ای شناخته شده در این وزارتخانه به حساب می‌آید.

باتوجه به اهمیت مسائل سیاسی در حوزه دانشگاه و کار با

دانشجویان، وزیر پیشنهادی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

از این منظر هم به نظرم انتخاب به نسبت قابل قبولی صورت گرفته؛ چرا که وزیر پیشنهادی عضو جبهه و طیف‌های سیاسی نبوده و بعید می‌دانم گزینه حساسیت برانگیزی باشد. در مجموع در انتخاب وزرای پیشنهادی با نگاهی حاکمیتی عمل شده و انتخاب وزیر پیشنهادی علوم را نیز می‌توان با همین منطق درک کرد.

و وزیر پیشنهادی ورزش و جوانان چطور؟

آقای سجادی هم چهره‌ای شناخته شده در حوزه ورزش است. فردی است که خود از جامعه ورزش کشور به حساب می‌آید و گرایش و موضع‌گیری جناحی و جبهه‌ای هم ندارد. بنابراین فکر می‌کنم انتخاب مناسبی باشد.

می‌رسیم به وزارتخانه‌های سیاسی اعم از وزرای خارجه و داخله یا همان وزارت کشور. انتخاب آقایان امیرعبداللهیان در وزارت خارجه و سردار وحیدی در وزارت کشور را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در بحث وزارت کشور باید بگویم گزینه پیشنهادی فردی است که اگر چه پیشینه نظامی دارد و سابقه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اما در مجموع فردی تندرو نیست. سردار وحیدی در عین حال در معاونت سیاست داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز کار کرده و آن طور که اعضای مجمع می‌گویند در سال‌های حضور در این نهاد مطالعاتی روی اقوام و مسائل مختلف سیاست داخلی داشته و نگاهی معتدل به مسائل سیاسی دارد. همچنین کسانی که با سردار وحیدی در مجمع تشخیص کار کرده‌اند، او را مدیری اهل حوصله و معتدل توصیف می‌کنند.

وزارت امور خارجه و معرفی حسین امیرعبداللهیان؟

آقای امیرعبداللهیان هم به نظرم انتخاب به نسبت معقولی بوده؛ چرا که سابقه‌ای کاملاً مرتبط دارد چه در دوران تحصیل و چه پس از آن. وقتی در سطح معاونت وزیر و فعالیت در ستاد فعالیت کرده، تجارب

بسیاری اندوخته است. ضمن آنکه چند سالی هم در معاونت بین‌الملل ریاست مجلس با آقایان لاریجانی و قالیباف کار کرده است. در مجموع امیرعبداللهیان نیز مدیری است که دارای شناخت و تجربه‌ای قابل قبول است. در مجموع البته بحث دانش زبان انگلیسی امیرعبداللهیان یا تجربه اندک در کار در حوزه‌هایی جز حوزه کشورهای منطقه و خاورمیانه نیز مطرح شده اما واقعیت این است که این دانشها بیشتر ابزار کار هستند و فکر نمی‌کنم خلأ جبران‌ناپذیری باشد. ضمن آنکه انتخاب امیرعبداللهیان را باید در قیاس با گزینه‌های دیگری که برای این وزارتخانه مطرح بودند، بررسی کنیم. اینکه به جای گزینه‌ای همچون علی باقری فردی همچون امیرعبداللهیان معرفی شده، نکته مهمی است. ضمن آنکه به هر حال ابراهیم ریسی تاکید کرده که اولویتش در سیاست خارجی، توسعه روابط با کشورهای منطقه و همسایگان است که فارغ از اینکه این راهبرد تا چه میزان عملیاتی و قابل قبول است یا نه، حسین امیرعبداللهیان برای پیشبرد آن فردی مناسب است.

و سوال آخر بحث چگونگی مواجهه مجلس با این فهرست؛ کار هیات وزیران دولت سیزدهم را در دریافت رای اعتماد از مجلس یازدهم چطور می‌بینید؟ آیا مسیری دشوار پیش روی وزرای ریسی است؟

به یاد داریم که پیش از انتخابات 220 نفر از نمایندگان صراحتاً از ریسی برای کاندیداتوری دعوت کردند و بعد از انتخابات نیز سعی کردند دست‌کم در کلام خود را حامی دولت جدید معرفی کنند. اما این مساله به نظرم مغایرتی با اینکه بخواهند با بررسی کارشناسی به تشکیل دولتی کارآمدتر کمک کنند، ندارد و علاوه بر آن در حال حاضر بحث یک جناح و یک فرد نیست. بحث حل مشکلات کشور و مجموعه حاکمیت است. آن هم وقتی که ابراهیم ریسی نیز در انتخاب وزرای پیشنهادی با نگاهی حاکمیتی عمل کرده، در نتیجه هم‌اکنون پای کلیت حاکمیت در میان است و مواجهه مجلس نیز با نظر داشت این مساله انجام می‌شود. از طرفی می‌دانیم مجلس در مسیر تدوین فهرست پیشنهادی، چندان محل شور و مشورت قرار نگرفت و ممکن است همین مساله تا حدودی مشکل‌ساز شود. به هر حال آنچه در گذشته مرسوم بوده که جز یکی، دو نفر کلیت کابینه رای اعتماد می‌گیرند، احتمالاً این بار نیز انجام شود. به هر حال جناحی که در مجلس حضور دارد و در انتخاب شهرداری نیز نشان داد که لزوماً با طیف اکثریت مجلس که نیروهای نزدیک به قالیباف باشند، همراه نیست در بحث رای اعتماد نیز خودی نشان خواهد داد. از طرفی معتقدم در تشکیل دولت باید با نگاهی توأم با تعامل با طیف‌های مختلف عمل شود. چیزی شبیه به آنچه در دولت سازندگی شاهد بودیم که مثلاً وزرای فرهنگ و علوم به طیف و جناح رقیب سپرده می‌شد

و هماکنون این اتفاق نیفتاده است.
آیا درباره گزینه‌هایی که ممکن است با مشکل در جلب رای اعتماد
مواجه شوند، پیش‌بینی مشخصی دارید؟
فکر می‌کنم اگر توصیه خاصی در جلسات غیرعلنی و به صورت غیررسمی
صورت نگیرد، احتمالاً دو، سه نفر از دریافت رای اعتماد بازخواهند
ماند و احتمال اینکه وزرای آموزش و پرورش، کار و صمت ناکام
بمانند، بیشتر می‌بینم.

در این باره می‌توان گفت که در این شرایط، دولت باید با شفافیت و
مسئولیت‌پذیری عمل کند. اگرچه در این مرحله، هنوز نتوانیم
درباره نتایج رای اعتماد اظهار نظر دقیقی داشته باشیم، اما
توجه به این نکته ضروری است که اعتماد مردم به دولت، تنها
با عملکرد شایسته و پاسخگویی به نیازهای جامعه میسر می‌گردد.
بنابراین، انتظار داریم که دولت در این مسیر، با تدبیر و
توجه به منافع ملی، اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین،
مراقبت از سلامت و شایسته‌سالاری در کابینه، از اهمیت ویژه‌ای
بنا بر این است که در این شرایط، دولت باید با شفافیت و
مسئولیت‌پذیری عمل کند. اگرچه در این مرحله، هنوز نتوانیم
درباره نتایج رای اعتماد اظهار نظر دقیقی داشته باشیم، اما
توجه به این نکته ضروری است که اعتماد مردم به دولت، تنها
با عملکرد شایسته و پاسخگویی به نیازهای جامعه میسر می‌گردد.
بنابراین، انتظار داریم که دولت در این مسیر، با تدبیر و
توجه به منافع ملی، اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین،
مراقبت از سلامت و شایسته‌سالاری در کابینه، از اهمیت ویژه‌ای
بنا بر این است که در این شرایط، دولت باید با شفافیت و
مسئولیت‌پذیری عمل کند.

ساعت: 1400 23 دقیقه